

واکنشی ابلهانه به یک خیانت عاشقانه؛

## اجیر شدن یک قاتل برای کشتن مرد خائن

زن جوان که فکر می‌کرد همسرش به او خیانت می‌کند با پرداخت ۲۰۰ میلیون تومان مردی را اجیر کرد تا شوهرش را بکشد.

به گزارش پرسون، اواخر سال گذشته، گزارش سرقت از خانه‌ای در غرب پایتخت به مأموران پلیس اعلام شد.

با حضور تیم پلیسی در محل آنها با بدن نیمه جان صاحب خانه در حالی مواجه شدند که وسایل با ارزش خانه‌اش به سرقت رفته بود. مرد جوان که مدیر شرکت بازرگانی بود بلافاصله به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت.

وی پس از بهبودی در تحقیقات گفت: همسر و دو فرزندم برای خرید شب عید خانه را ترک کردند و من به تنهایی داخل خانه بودم. بعد از خوردن چای، کمی احساس خواب‌آلودگی داشتم به رختخواب رفتم که ناگهان صدای مهبیبی به گوشم رسید.

چند لحظه بعد نیز مردی نقابدار را بالای سرم دیدم. او با چاقویی که در دست داشت به جانم افتاد و مرا تا حد مرگ زد. بعد هم ۳۰ میلیون تومان پول، ۵ سکه طلا، مقداری دلار، ۲ گوشی تلفن همراه و اسناد و مدارکی را که خیلی با ارزش بودند به سرقت برد.

با شکایت مرد جوان، تحقیقات به دستور بازپرس شعبه هفتم بازپرسی دادسرای ویژه سرقت آغاز شد. بررسی‌ها ادامه داشت اما هیچ رد و سرنخی از متهم متواری به دست نیامد تا اینکه چند روز قبل، مرد جوان با مراجعه به پلیس، راز یک توطئه شوم علیه خودش را فاش کرد.

وی به پلیس گفت: با همسرم شکیلا سر موضوعی اختلاف پیدا کردم و کارمان به درگیری و دعوا رسید و در کمال ناباوری همسرم گفت که برای کشتن من یک آدمکش اجیر کرده بوده اما او نتوانسته کارش را درست انجام دهد و قصد دارد این بار خودش مرا بکشد. به همین خاطر از همسرم شکایت دارم. با شکایت مرد جوان، به دستور بازپرس شعبه هفتم دادسرای ویژه سرقت، شکیلا بازداشت شد و تحقیقات برای دستگیری همدست او از سوی کارآگاهان پلیس ادامه دارد.

گفت‌وگو با زن جوان

شوهرت مدعی است برای کشتن او آدم اجیر کرده‌ای!

بله؛ برای اینکه شوهرم به من خیانت می‌کرد و نمی‌خواست به این موضوع اعتراف کند. رفتارهایش خیلی مشکوک بود. شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و مدام سرش داخل گوشی اش بود. یک مواقعی به بهانه کار در شرکت می‌ماند اما وقتی با او تماس می‌گرفتم صدای زنی را می‌شنیدم.

البته شوهرم می‌گفت هیچ زنی در زندگی اش نیست اما من باور نمی‌کردم. حتی گوشی تلفنش را می‌داد که من

آن را چک کنم، ولی مطمئنم پیامها و تماس‌هایش را از قبل پاک می‌کرد. من به رفتارهای او مشکوک بودم و این شک زمانی به یقین تبدیل شد که پیش یک فالگیر رفتم و به من گفت که زنی قد بلند در زندگی شوهرم هست و همین مسأله شک مرا به یقین تبدیل کرد.

فقط به این دلایل به شوهرت مشکوک بودی؟

دلایل کمی نبود. حتی یکی از دوستانم گفت از شوهرت بخواه که سند خانه را به نامت بزند.

من هم به حامد گفتم و او هم در کمال ناباوری این کار را کرد. اما به جای اینکه اعتمادم بیشتر شود شک ام بیشتر شد. با خودم گفتم با این کار به من باج داده که از روابط پنهانی اش سر در نیآورم.

چطور آن مرد را اجیر کردی؟

من فروشنده لوازم آرایشی هستم و برای فروش وسایل به آرایشگاه‌ها می‌رفتم. یکی از آرایشگرها وقتی مشکلم را فهمید گفت برادرش، می‌تواند با تعقیب شوهرم به روابط پنهانی او پی ببرد. پیشنهادش را پذیرفتم و برادرش در ازای این کار از من ۲۰۰ میلیون تومان گرفت.

اما بعد از یک هفته به من گفت که همسرم با هیچ شخصی در رابطه نیست و من اشتباه می‌کنم.

چرا باور نکردی؟

چون مطمئن بودم شوهرم پنهانکاری می‌کند و سعی دارد مرا بیمار روانی نشان دهد به همین خاطر تصمیم به قتلش گرفتم. به همان مرد جوان گفتم ۲۰۰ میلیونی که قبلاً به تو دادم به اضافه تمام وسایل با ارزش داخل خانه را بردار، در عوض حامد را به قتل برسان.

نقشه قتل چه بود؟

شب حادثه به بهانه خرید لباس شب عید برای بچه‌ها، حامد را داخل خانه تنها گذاشتم. قبل از آن هم داخل چای داروی بی‌هوشی ریختم تا شوهرم نتواند از خودش دفاع کند. برای اینکه کسی به من شک نکند، از مرد جوان خواستم در ورودی را بشکند و وارد خانه شود و نقشه قتل و سرقت را اجرا کند. وقتی بعد از خرید به خانه برگشتیم و همسرم را نیمه جان دیدم با توجه به حضور بچه‌ها به اورژانس زنگ زدم و او را به بیمارستان رساندند.

وقتی دیدی شوهرت زنده است چه کردی؟

دوباره تصمیم به قتل گرفتم. در فضای مجازی فروشنده‌ای را پیدا کردم که قرص برنج و سیانور می‌فروخت. می‌خواستم با آن حامد را به قتل برسانم. آن روز با حامد دعوایم شد، اما در یک لحظه عصبانیت راز اجیر کردن آدمکش را برملا کردم.

منبع: رکنا